



تهران : آذان ظهر ۱۳:۰۷ آذان مغرب ۲۰:۰۲ آذان صبح فردا ۵:۰۱ طلوع آفتاب ۶:۳۰

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی خیابان فلسطین، کوچه برادران غفاری، پلاک ۲۶
تلفن: ۸۸۹۶۸۲۹-۰۲۷ ۸۸۹۶۸۲۸-۰۲۶
تلفن اگهی‌ها: ۸۸۷۶۷۷۰-۰۲۷
امور مشترکین: ۸۸۸۱۴۳۲-۰۲۲
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۸۱۳۱۳۰
چاپ: گل‌ریز
تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶
www.sharhnewspaper.ir

کتاب در آستانه خانه



علی‌اکبر قاضی‌زاده

■ برای خواندن کتاب، این بهانه خوبی است که کتاب‌فروشی‌های بزرگ وسط شهر و بیشتر در حاشیه دانشگاه تهران هستند و دسترسی به آن کتاب‌فروشی‌ها وقت و توان می‌برد؛ به‌خصوص برای اهالی مناطق دوردست به نسبت هسته تهران و البته کتابخوانان بیرون از تهران. می‌گویند باید دست‌کم چند ساعتی را برای خرید یک کتاب گذاشت و تازه معلوم نیست کتابی را که در نظر داریم پیدا کنیم یا نکنیم. نسلی که ما تحویل داده‌ایم، اهل کتاب نیست. خیال ندارم ادعا کنم هر کس کتاب نمی‌خواند، ناچار دانشمند و حکیم و نویسنده و خلاصه آدم موفقی نمی‌شود. شاید بشود. به هر حال اما غفلت از متن‌هایی که میراث تفکر انسان پیرامون زندگی و دریافت‌های اوست، می‌تواند و باید زیرساخت تفکر امروزیان، پیرامون برداشت‌ها و نگاه کردن به امور و اکنون زندگی را بسازد. منکر گستردگی، گونه‌گزینی، دستیابی آسان، زیبایی و هوش‌ربایی محیط‌های مجازی نمی‌توان شد. رایانه با تمام قدرت و قوت و با تمام تر و تازگی در خدمت بچه‌های امروز است حتی وقتی حرف از کتاب می‌شود، می‌توان ادعا کرد موتورهای جست‌وجوگر بهترین و آماده‌ترین وسیله برای دستیابی به تازه‌ها و تحول‌های در همین عرصه است. می‌توان با چند کلیک ساده متن‌های ادبی و تحقیقی تولید همین امروز در گوشه و کنار جهان را روی نمایشگر رایانه، پیش رو گشود و مطالعه کرد. اما خدا و کیلی چند کاربر کامپیوتر را سراغ دارید که شوق کتابخوانی خود را از راه خیرشدن به نمایشگر پاسخ دهد؟

بسیاری هستند که امروز با افتخار می‌گویند: من کتاب نمی‌خوانم، می‌خواهند بگویند شاید که من، وقت نازنینم را برای چنین کاری تلف نمی‌کنم. حتی دیدهایم، بعضی هم که اندکی بی‌تعارف‌تر هستند، وقتی اهل کتابی به آنان خواندن کتابی را یا در اساس کتاب خواندن را توصیه می‌کند، در می‌آید که: ببینم، تو که این همه کتاب خوانده‌ای، کجا را گرفته‌ای؟ پرسش سخت و سنگینی است که به طور معمول با جواب

ندارد یا اگر دارد، به نفع کتابخوانان نیست.

غیر از دوری راه و گرایشی که به‌جها به کامپیوتر پیدا کرده‌اند، البته مشکلات دیگری هم هست که عمومی است و همه آن مشکلات را می‌دانند.

تازگی‌ها یک موسسه خصوصی، ابتکار جالبی را به اجرا گذاشته است: خواهان کتاب، تلفنی یا به کمک پیام الکترونیک، کتاب مجوزگرفته‌ای را سفارش می‌دهد. موسسه، کتاب را خیلی زود به نشانی سفارش‌دهنده می‌فرستد و درجا قیمت کتاب را تحویل می‌گیرد. این شیوه، بهانه را از کتاب‌خوانانی که دوری راه و مشکل ورود به مرکز شهر را بهانه می‌کنند، می‌گیرد. کار ارسال سفارش انواع کالاها البته در کشور و شهر ما بی‌سابقه نیست. در دنیا هم دست‌کم نیم قرن پیشینه دارد. اما من تصور می‌کنم کار ارسال حاصل فکر و ابتکار و هنر و اندیشه پدیدآورندگان به خانه‌های مردم، کمک شایانی به گسترش کتابخوانی می‌کند. من رقم و آماری به دست ندارم تا بنویسم در روز و هفته و ماه و سال، چند نفر به چنین موسسه‌هایی کتاب سفارش می‌دهند و این سفارش‌ها تا چه اندازه در گسترش کار کتابخوانی اثر می‌گذارد. یقین دارم اما هر شکل از ابتکار که نسل امروز را با کتاب و با کتاب خواندن آشتی دهد، هم مغتنم است و هم باید از آن حمایت کرد.

این طرح یک جنبه دلگرم کننده دیگر – برای پدیدآورندگان – هم دارد. برگرداندن درصدی از سود حاصل از این توزیع به مترجم، مولف و پدیدآورنده کتاب این شیوه از دو نظر مهم است: اول از این دید که مبلغی از این فرایند نصیب مولف و پدیدآورنده می‌شود که او را به ادامه کار تشویق می‌کند. دوم معیار خوبی است که پدیدآورنده میزان استقبال از اثر خود را به شکل نسبی برآورد کند. فکر می‌کنم این کار هم برای اهالی کتاب و هم برای آنان که عمر خود را در طرح و انتشار حرفی تازه و به امید رابطه با مخاطب گذاشته‌اند، خبر خوبی باشد.

به امید آنکه هر ایرانی دست‌کم ماهی یک کتاب خوب بخواند.

توضیح

■ **شرق**: روز گذشته به نقل قول از «همایون غنی‌زاده» مطلبی در صفحه ۱۵ منتشر شد که در جایی از این مطلب یک اشتباه تایپی رخ داده بود که ایشان اصلاحیه‌ای برای ما فرستادند که با پوزش از ایشان منتشر می‌شود.

در شماره دیروز، چهارشنبه، اول شهریور ۹۱، در ستون گزارش تصویری از نشست خبری نمایش آنتیگونه جمله‌ای از اینجانب نقل شده است که صحیح‌اش چنین بوده است: «از نظر کیفیت قطعا به ایشان (استاد سمندریان) نخواهم رسید (دبهبی است نگفتم‌ها خواهم رسید) اما دلم می‌خواهد از نظر کمیت، بیشتر کار کنم». همایون غنی‌زاده

شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی خیابان فلسطین، کوچه برادران غفاری، پلاک ۲۶
تلفن: ۸۸۹۶۸۲۹-۰۲۷ ۸۸۹۶۸۲۸-۰۲۶
تلفن اگهی‌ها: ۸۸۷۶۷۷۰-۰۲۷
امور مشترکین: ۸۸۸۱۴۳۲-۰۲۲
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۸۱۳۱۳۰
چاپ: گل‌ریز
تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶
www.sharhnewspaper.ir

تهران : آذان ظهر ۱۳:۰۷ آذان مغرب ۲۰:۰۲ آذان صبح فردا ۵:۰۱ طلوع آفتاب ۶:۳۰

صداوسیما از پخش صدای «فرهاد» منع شد

اتsar مرحوم «فرهاد مهرداد» از تمامی کانال‌های رادیو و تلویزیون حدود ۱۰ روز پیش به صداوسیما ابلاغ شده و همه کانال‌های سیما و همچنین همه کانال‌های رادیو از پخش صدا و سیما «فرهاد» و آهنگ‌های او در این کانال‌ها منع شده‌اند. به گفته این وکیل دادگستری: «اگر صداوسیما احکام قانونی را اجرا نکند همان‌طور که در قانون مجازات اسلامی هم وجود دارد، مدبری این که از اجرای این دستور مرجع قضایی خودداری کنند تحت تعقیب کیفری قرار خواهند گرفت ولی پیش از همه چیز به جای این اقدامات من متأسفم سستم که باید بگویم صداوسیما که از آن به عنوان دانشگاه نام برده می‌شود نه تنها قانون را اجرا نمی‌کند بلکه به طور غیرقانونی و بدون اجازه وراث مرحوم «فرهاد»، آثار او را پخش می‌کنند».

البته به نظر می‌رسد که رسانه ملی این حکم را نشنیده گرفته و از ابلاغ به شبکه‌ها خودداری کرده است. چراکه نیکبخت گفته است: «از زمان اجرای حکم دادگاه هم که به موجب رای شماره ۴۰۲ مورخ ۹۱/۹/۵ حدود ۱۰ روز پیش به بخش حقوقی صدا و سیما ابلاغ شده، این دستور موقت برای همه کانال‌های رادیو و تلویزیون سازمان صداوسیما لازم‌الاجراست و به طور طبیعی چون باید دفتر حقوقی صداوسیما این موضوع را به اطلاع مدیران همه شبکه‌ها و کانال‌ها می‌رساند و ظاهرا نرسانیده، طبق قانون این حق برای ما وجود دارد که متخلف را مورد تعقیب قانونی قرار دهیم. ما تاگزیر شدیم که در این جلسه این موضوع را به اطلاع مردم شریف ایران به‌ویژه هواداران صدای «فرهاد» برساییم و نیز سایر هنرمندان کشور را از اجحافی که به آنان و «فرهاد» در صداوسیما یا سایر مراکز فرهنگی می‌رود، مطلع کنیم»

چهار سال پیش به دنبال پخش بی‌مجوز آثار فرهاد مهرداد از تلویزیون، پوران گلفام، همسر این خواننده شناخته شده طی نامه‌ای درخواست توقف آنها را کرد اما با بی‌تفاوتی صدا و سیما کار به دعوی حقوقی رسید.

رویداد

«دربوش مهرجویی» در نشست نقد کتاب تازه‌اش مطرح کرد در ادبیات می‌شود حرف زد

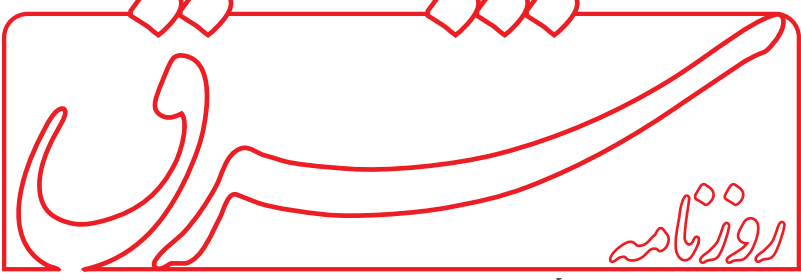
دربوش مهرجویی در نشست نقد و بررسی «در خرابیات مغان» درباره علت پرداختن به ادبیات گفت: «حرف اصلی «فروید» این است که فرهنگ زاده بیماری و مرض است و تا بیماری نباشد، فرهنگ نیست. سینما پر از سرمایه است، بگیر و بیار دارد اما در ادبیات راحت‌تر می‌شود آنچه را که می‌خواهی اجرا کنی.»
«مهرجویی با بیان اینکه همیشه وسوسه نوشتن داشتم‌ام، گفت: «سناریوی همه فیلم‌هایم را خودم نوشتم‌ام و انسی با کلام و شیوه‌های نگارش دارم و سعی کرد‌ام خودم را در کوران ادبیات دنیا و ایران بگذارم و چون کار دیگری بلد نیستم، نوشتم‌ام. مهم است وقتی آدم هنوز زنده است بداند چه اتفاقی در آثارش افتاده است اما من در کار حرف‌های‌ام در سینما و حتی ادبیات نمی‌خواستم جلوی دوربین باشم و بنارم. مردم ما فهمیم با ذکاوت و زیرک هستند و حتی نسل جدید موشکاف و زیرک هستند و من خوشحالم که می‌توانم از طریق آثارم به ذهن‌های بارور آنها کمک کنم.»

مهرجویی در بخشی از صحبت‌هایش گفت: «حتی این اثر را برای نمایندگی‌های مختلف در خارج فرستادم تا این اثر ساخته شود اما گفتند که سیاسی است و آن را رد کردند. بنابراین ترجیح می‌دهم آن را در ادبیات



«گفت‌وگوی تنهایی» ادامه می‌یابد

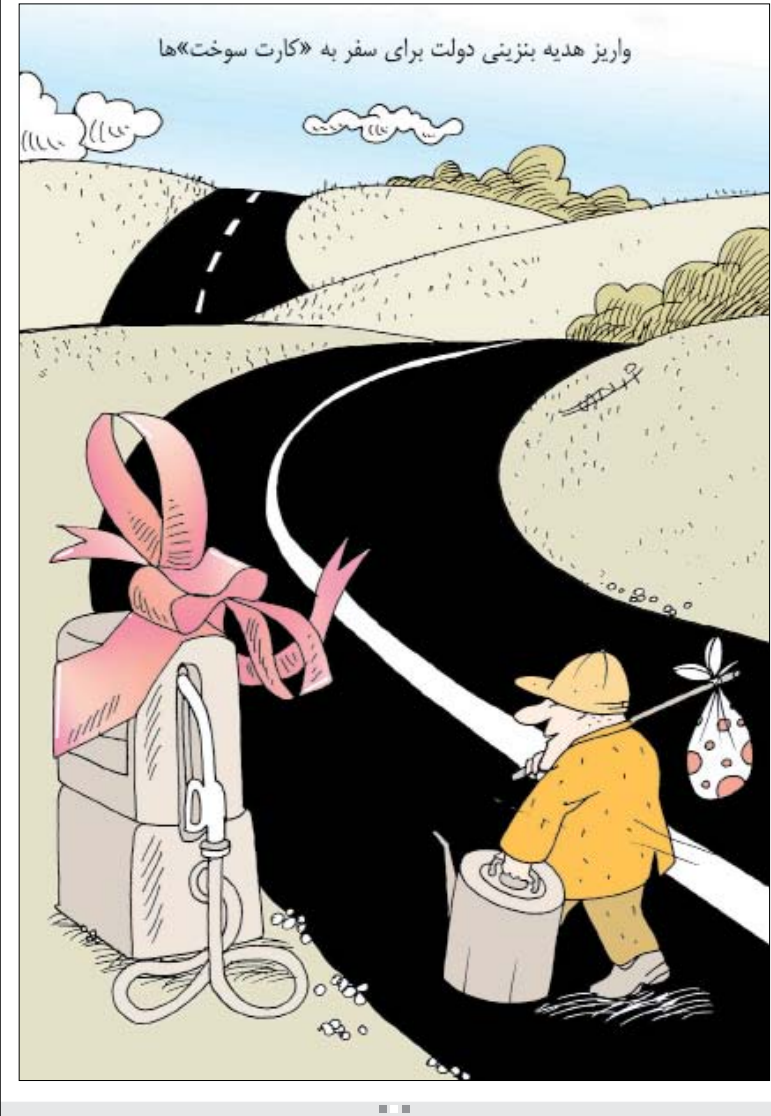
شرق: «گفت‌وگوی تنهایی» برنامه‌ای ۳۰ قسمتی که در مدت زمان ۲۵ دقیقه هر شب‌های ماه مبارک رمضان گفت‌وگوی صمیمی با شخصیت‌های محبوب و مردمی داشت، قرار است در شب‌های پس از رمضان نیز ادامه پیدا کند. «گفت‌وگوی تنهایی» با اجرای علی میر میرانی در هر برنامه با هنرمندان عرصه‌های سینما، تئاتر، تلویزیون و موسیقی تا امروز میزبان افرادی چون شهاب حسینی، کمال تبریزی، امیر جعفری،



پنجشنبه ۲ شهریور ۱۳۹۱ | ۵شوال ۱۴۳۲ | ۲۲ آگوست ۲۰۱۲ | سال دهم | شماره پیاپی ۱۶۰۸ | شماره ۶۸۴ دوره جدید | ۱۲ صفحه+ ۲۲ صفحه ضمیمه

کیوان زرگری

cartoononline.persianblog.ir



کافه پیشنهاد

کهنه‌های همیشه نو با «مرتضی احمدی»

عسل عباسیان

زندگی «برای ما پیشنهاد دارد: آلبومی که با شنیدنش، طنین زیبای صدای مخملین ایرج را همراه با نوستالژی تجربه خواهید کرد. البته مرتضی احمدی موسیقی مناطق مختلف ایران را هم پیشنهاد می‌کند و می‌گوید که نباید موسیقی‌های دیگر باعث شوند تا از موسیقی لری، کردی، ترکی، گیلکی و... غافل مانیم. روح ایرانی موجود در صدای مردم خطه‌های مختلف را باید مدام دوره کنیم.

و حالا نوبت به سینما که می‌رسد مرتضی احمدی از «علی حاتمی» در همین روزهای سالگرد تولدش یاد

می‌کند: از بچه محلی که کودکی و نوجوانی‌اش را با او در محله امیریه و گمرک تهران گذرانده و بعدها همین رفاقت دیرین مسیر تازهای در فعالیت هنری هر دو این هنرمندان باز کرده. از «مادر» می‌گوید و از «دلشدگان» و «حاجی و اشگتن» و دیالوگ‌های کم‌نظیر و ساکسن‌های ماندگار. از مردی که در سینمای ایران تا بد یگانه باقی می‌ماند و همانندی نخواهد داشت.

دیالوگ‌های او را مینیاتورهایی زیبا توصیف می‌کند و افسوس می‌خورد از رفتن زودهنگام این مرد هنرمند. خودش برای بار نخست در اجرای پیش‌بردها، که با سبک «بیات تهران» آواز خواند و بعدتر هم با ترانه «گل‌بری‌جون» محبوب شد و در رادیو تهران شروع به کار کرد، بعد از پیشنهاد همه آلبوم‌های استاد «شجریان» به خاطر حفظ اصالت ایرانی و آوازه‌ای یکه و ناب، آلبوم تازه «برج خواجه‌امیری» را با عنوان «قصه

از دست نداریم.

دکه

«نافه» چهل و هفتم منتشر شد

یابوری و سروش دباغ هم در مورد آثار این نویسنده منتشر شده است. از دیگر مطالب این نشریه هم می‌توان به مقاله‌ای تالیفی از شهریار وقفی‌پور با عنوان «باراده به آزادی» اختصاص دارد و یادداشت‌هایی هم به مناسبت درگذشت این استاد تئاتر از عزت‌الله انتظامی، ایرج راد، حسین کیانی و... در این شماره مجله گردآوری شده است. در صفحات دیگر مجله یادداشتی از «بهمن شعله‌ور» را در مورد سیمین دانشور خواهید خواند. همین‌طور در ادامه مقالاتی از فرشته مولوی، حورا



اکران «مثل یک عاشق» کیارستمی از مهرماه در فرانسه

فیلم «مثل یک عاشق» ساخته عباس کیارستمی از روز ۱۰ نوامبر (۱۹ مهر) در سینماهای فرانسه به روی پرده می‌رود. جدیدترین ساخته کیارستمی که در جشنواره کن امسال یکی از نامزدهای دریافت نخل طلا بود، با بازی «رین تاکاگاشی»، «تاداشی اوکونو» و «اریو کاس»، روایتگر داستان آشنایی ناگهانی یک زن جوان و یک پیرمرد در توکیو است. این فیلم که طبق برنامه از ۱۰ ژانویه ۲۰۱۲ (۲۱ دی) در سینماهای هلند به روی پرده خواهد رفت، داستان یک دانشجوی جامعه‌شناسی (رین تاکاگاشی) را روایت می‌کند.



داستان کوچک

مادر

گریس پیلی

ترجمه: هادی عظیمی



■ رادیو گوش می‌کرم که این ترانه را شنیدم: «آه دلم می‌خواهد مادرم را در چهارچوب در ببینم.» خدای من! پیش خدَم گفتم من این ترانه را می‌فهمم. بارها دلم می‌خواهد مادرم را در چهارچوب در ببینم. در واقع، خیلی اوقات او را در چهارچوب‌های مختلف می‌بینم که به من نگاه می‌کند. یک روز، درست همین‌طور، در چهارچوب در ورودی ایستاد؛ تاریکی راهرو پشت سرش بود. اولین روز سال نو بود. غمگینانه گفت: «اگر حالا که هفده‌ساله‌ای، چهار صبح به خانه بیایی، وقتی بیست‌ساله شدی کی می‌آیی؟» سوآلش از روی مزاح یا بدجنسی نبود او با ناراحتی آماده مرگ بود. پیش خودش فکر می‌کرد وقتی بیست‌ساله شدم، او دیگر نخواهد بود. به‌همین دلیل نمی‌دانست چکار کند.

یک روز دیگر در چهارچوب در اتاقم ایستاده بود. تازه یک بیانیه سیاسی در انتقاد به وضعیت نهاد خانواده در اتحاد جماهیر شوروی بیرون داده بودم، او گفت: «به‌خاطر خدا بگیر بخواب، احقر. با آن عقاید کمونیستی‌ات. من و پدرت قبلا در سال ۱۹۰۵ این عقاید را دیدهایم. خدما هم چیز را احس می‌زدیم.» یکبار هم در چهارچوب در آشنیز خانه گفت: «هیچ‌وقت نهات را تمام نمی‌کنی. مثل احقر‌ها زود بلند می‌شوی و می‌روی. چی می‌خواهی بشی؟» کمی بعد مادر مرد.

طبیعتا بقیه عِصرم آرزو داشتم ببینمش، نه‌فقط در چهارچوب در، بلکه همه‌جا. کنار خاله‌هایم در اتاق پذیرایی، پشت پنجره در حال نگاه کردن بالا و پایین خیابان، در باغ شهر میان گل‌های آهاری و جعفری، در اتاق نشیمن کنار پدرم. آنها روی صندلی‌های چرمی راحتی می‌نشستند. «هوزارت» گوش می‌کردند. با حیرت به هم نگاه می‌کردند. به نظرشان انگار تازه سوار کشتی شده بودند. انگار تازه اولین کلمات انگلیسی را یاد گرفته بودند. به نظرشان انگار همین حالا پدر با افتخار برگه امتحانی را که همه سوآلاتش را درست نوشته بود به استاد آمریکایی درس تشریح تحویل داد. انگار که مادر

کاش می‌توانستم او را در چهارچوب در اتاق نشیمن ببینم. یک دقیقه ایستا ایستاد. بعد کنار پدر نشست. آنها یک گرامافون گران‌قیمت داشتند. «باخ» گوش می‌کردند.

مادر به او گفت: «یک‌کم که با من حرف بز، دیگر خیلی با هم حرف نمی‌زنیم.» پدر گفت: «خست‌ام. نمی‌بینی؟

امروز حدود ۳۰ نفر را دیدیم. همه مریض بودند، همه‌اش حرف، حرف، حرف. به موسیقی گوش کن.» کمی بعد مادر مرد.

گریس پیلی (۱۹۲۲–۲۰۰۷)، نویسنده آمریکایی و نامزد جایزه پولیتزر بود.

آکادمی

شبه‌سازی نخستین لحظات تاریخ کیهان

■ **گروه علم**: فیزیکدانان سازمان پژوهش‌های هسته‌ای اروپا طی آزمایشی‌هایی در برخورددهنده بزرگ هادرون، بیشترین دمای ایجادشده توسط اسان را پدید آورند که ۵/۵ تریلیون درجه سانتیگراد است، یعنی صدهزار برابر داغ‌تر از خورشید و به این ترتیب رکورد تازهای پدید آمد. دانشمندان سازمان پژوهش‌های هسته‌ای اروپا (سرن) در ژنو سوئیس یون‌های سرب را به هم کوبیدند و پلاسمای کوارک-گلئون را پدید آوردند. پلاسمای کوارک-گلئون در حقیقت سویی یا مخلوطی از ذرات ریزاتی است که به باور دانشمندان در اولین لحظه‌های پدید آمدن کیهان وجود داشته است. طی این برخوردها، دما تا حد ۵/۵ تریلیون درجه سانتیگراد بالا رفت. این دما، بیشترین دمایی است که تاکنون طی یک آزمایش ثبت شده است. محققان گفتن: آشتی پیش از این، رکورد بیشترین دما در اختیار آزمایشگاه ملی بروکهاون نیویورک بود. برخورددهنده نسبیتی یون سنگین در آزمایشگاه ملی بروکهاون نیویورک با کوبیدن یون‌های طلا به هم، بیشترین دما را ایجاد کرد که در کتاب رکوردهای جهانی گینس ثبت شده بود. اما دمایی که فیزیکدانان سرن پدید آوردند ۴۰درصد بیشتر از دمایی است که در آزمایشگاه ملی بروکهاون نیویورک ایجاد شده بود. البته سنگنوی

این پروژه تایید می‌کند این اندازه‌گیری دقیق نیست و آنها تاکنون انرژی را به درجه حرارت تبدیل نکرده‌اند اما این عدد تقریبا معادل ۵/۵ تریلیون درجه سانتیگراد است.

دانشمندان امیدوارند که این تحقیقات، چشماندازی از وضعیت کیهان در اولین لحظه‌های پس از انفجار بزرگ را برایشان فراهم کند. در پایان لازم به ذکر است پایین‌ترین دمای ممکن، ۲۷۳ درجه زیر صفر مطلق، با همین دلیل به آن می‌گویند «صفر مطلق» یعنی با هیچ وسیله‌ای نمی‌توان به دمایی کمتر از آن دست یافت. اما بالاترین دمای ممکن حدی ندارد و با پیشرفت‌های فنی می‌توان به دماهای هرچه بیشتر رسید.